

شرق

مأموریت قدیمی ناتو در عصر جدید

آزاده طاهری

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، بسیاری گمان می‌کردند ادامه فعالیت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دیگر توجیهی ندارد یا دستکم این پیمان نظامی باید به دنبال مأموریت جدیدی برای خود باشد.

باین‌حال تنش با روسیه، گسترش افراط‌گرایی و تهدیدات تروریستی، ادامه درگیری در افغانستان، بحران پناه‌جویان و این اواخر نگرانی از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، موجب شده است کمترین‌زمانی پس از پایان جنگ سرد، مشکلات پیش‌روی ناتو تا این حد جدی باشد. از میان این فهرست اما تنش با روسیه اصلی‌ترین موضوعی بود که در نشست اخیر سران ناتو در ورشو مورد توجه قرار گرفت؛ مسئله‌ای که می‌تواند نشان‌دهنده وجود گذشت سال‌ها، سایه این جنگ همچنان بر روابط این دو رقیب قدیمی سایه افکنده است. ناتو در سال‌های آغازین جنگ سرد بنیان گذاشته شد و هویت اصلی آن را مقابله با نفوذ شوروی در آن دوران شکل داد. اگرچه درباره تاریخ دقیق دوران جنگ سرد توافق نشده است اما از تنش‌های سیاسی و نظامی غرب و شوروی در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۱ به‌عنوان جنگ سرد نام برده می‌شود. ناتو در آن سال‌ها تلاش می‌کرد با تکیه بر تنوری «سد نفوذ»، از گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری کند. با پایان جنگ سرد، ناتو همچنان مهم‌ترین نهاد دفاع جمعی اروپا باقی ماند و هم‌زمان تلاش برای بهبود روابط این دو رقیب دیرینه، در چارچوب‌های خاصی مانند شورای ناتو- روسیه دنبال شد.

هیچ‌یک از اینها نتوانست از اصلی‌ترین نگرانی امنیتی مسکو، یعنی گسترش ناتو به شرق اروپا بکاهد و بحران با اوکراین نشان داد تا چه میزان تلاش‌ها برای بهبود روابط ناتو و روسیه پس از پایان جنگ سرد، بی‌نتیجه بوده است.

روسیه و غرب بارها منکر رقابت با یکدیگر در کشورهای استقلال‌یافته شوروی شده‌اند، اما در حقیقت هریک تلاش کرده‌اند تحولات در منطقه را در راستای منافع خود هدایت کنند. ناتو تلاش کرد از فروپاشی شوروی به‌عنوان فرصتی برای تقویت حضور خود در شرق اروپا بهره ببرد و در مقابل مسکو درصدد آن برآمد تا با قراردادن کشورهای استقلال‌یافته شوروی در حوزه نفوذ خود، رؤیای احیای شوروی را تحقق بخشد.

اوکراین نیز از جمله کشورهایی بود که در این حوزه نفوذ و حیاط خلوت روسیه قرار می‌گرفت و از این رو بود که اقدام کیف‌یف برای خروج از این دایره با واکنش تند مسکو روبه‌رو شد. سایه تنوری «سد نفوذ» ناتو



و سیاست حوزه نفوذ مسکو، اوکراین را در میانه میدان رقابت روسیه و غرب قرار داد. در این میان نگرانی کشورهای شرق اروپا از بحران در اوکراین و مواضع روسیه در این زمینه، تا حدودی کفه ترازوی این رویارویی را به نفع ناتو تقویت و مسکو را بیش‌ازپیش خشمگین کرد. جدایی کریمه از اوکراین و پیوستن آن به روسیه و همچنین حمایت مسکو از مخالفان مسلح در شرق و جنوب اوکراین، زنگ خطری برای کشورهای شرق و مرکز اروپا بود. کشورهای منطقه که نگران‌اند به سرنوشتی مشابه اوکراین دچار شوند، از تقویت حضور ناتو و اتخاذ موضع سخت‌گیرانه‌تری در برابر روسیه، استقبال کردند. ناتو نیز تلاش کرد با تکیه بر این نگرانی نزدیک‌ترشدن به مرزهای روسیه را توجیه کند. در نهایت تنش میان مسکو و غرب نیز بیشتر شد به‌طوری‌که پس از پایان جنگ سرد، دو طرف هیچ‌گاه این‌گونه مقابل یکدیگر صف‌آرایی نکرده بودند.

تحولات اوکراین اگرچه جدیدترین صحنه زورآزمایی روسیه و ناتو است، اما اولین اختلاف نظر جدی دو طرف نیست. سامانه موشکی شرق اروپا در سال‌های اخیر یکی از جدی‌ترین موارد اختلاف نظر میان ناتو و روسیه بوده است.

روسیه بارها درباره استقرار سامانه موشکی ناتو در شرق اروپا، در نزدیکی مرزهای این کشور ابراز نگرانی کرده است. کرملین خواهان دریافت تضمین حقوقی بوده که این سامانه موشکی روسیه را هدف قرار نمی‌دهد، درخواستی که تاکنون با بی‌اعتنایی روبه‌رو شده است. پیدایش شکل نوینی از نظم جهانی و تغییر مناسبات بین‌المللی که منافع کشورها را به گونه پیچیده‌ای به یکدیگر مربوط می‌کند، شاید احتمال بازگشت به دوران جنگ سرد را کم کند، با این همه روابط روسیه و ناتو همچنان تحت تأثیر رقابت‌های دیرینه است. همین مسئله موجب شد تلاش‌ها برای اعتمادسازی میان این دو رقیب، راه به جایی نبرد و تنش میان روسیه و ناتو به شکل بی‌سابقه‌ای آشکار شود. پیمان نظامی تحت رهبری آمریکا، در دوران جدید با چالش‌های نوینی نیز روبه‌روست. از سال ۲۰۱۴ تاکنون شش کشور عضو ناتو هدف حمله تروریستی قرار گرفته‌اند، افغانستان نیز همچنان درگیر خونونت و ناامنی است. خاورمیانه در آتش جنگ می‌سوزد و سیل پناهنه‌جویان کشورهای اروپایی با بحرانی جدی روبه‌رو شده است. حملات سایبری نیز کشورهای عضو ناتو را با شکل جدیدی از تهدید روبه‌رو کرده است. با این همه ناتو پس از گذشت ۷۰ سال همچنان وظیفه‌ای مهم پیش‌رو دارد و آن هم مقابله با نفوذ روسیه است.

مسکو نیز ناتو را تهدیدی جدی برای حفظ سطره خود بر کشورهای می‌داند که بیش از فروپاشی شوروی در حوزه نفوذش قرار داشتند. در شرایط کنونی به نظر نمی‌رسد راهی برای تغییر این معادله وجود داشته باشد؛ تا زمانی که ناتو، روسیه را مهم‌ترین تهدید پیش‌روی خود بداند و مسکو نیز در پی رؤیای بازگشت به دوران اتحاد جماهیر شوروی باشد، در بر همان پاشنه خواهد چرخید و ناتو در دوران جدید همچنان اصلی‌ترین رسالت خود را اجرای اولین مأموریت خود خواهد دانست.

یادداشت

وکلای چینی در زندان



هادی فیروزی

درحالی‌که کمتر از یک‌سال از دستگیری گروه زیادی از وکلا و فعالان حقوق بشر چینی می‌گذرد، به نظر نمی‌رسد در این مدت وضعیت فعالان حقوق بشر و وکلای این کشور بهبود یافته باشد. به‌طوری‌که در گزارش اخیر حقوق‌بشر وزارت خارجه ایالات متحده نیز در مورد وضعیت وکلا و فعالان حقوق بشر چینی ابراز نگرانی شده است.

با وجود ادعاهای «شی جینپینگ»، رئیس‌جمهوری چین، مبنی بر بهبود وضعیت حقوق بشر در چین، سرکوب وکلا و فعالان حقوق‌بشر همچنان ادامه دارد. سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرده است که دولت چین در جولای سال ۲۰۱۵ در یک اقدام سراسری، بیش از صد وکیل و کارمند دفترهای حقوقی و فعالان حقوق بشر را دستگیر کرده است. مقامات چین این افراد را با اتهام‌های واهی نظیر فعالیت غیرقانونی و عضویت در اتحادیه مجرم دانسته‌اند. برخی دستگیرشدگان حتی به دعوا یا اخلال در آرامش عمومی متهم شدند. «سوفی ریچاردسن»، رئیس بخش چین سازمان عفو بین‌الملل، این اقدام مقامات امنیتی چین را «واقعیت جدید» شی جینپینگ، رهبر این کشور دانسته است. ریچاردسن معتقد است دولت چین مدت‌هاست دشمنی خود را با وکلای که با مقامات این کشور به مبارزه برخاسته‌اند به نمایش گذاشته و این افراد هدف سرکوب پلیس قرار گرفته‌اند.

حکومت چین، دستگیری این گروه از وکلا و فعالان حقوق بشر را بخشی از مبارزه با خلاصه‌کاران قلمداد کرده است؛ دستگیری گسترده وکلا یک هفته پس از تصویب قانون امنیت ملی در چین انجام شد. این قانون در مجامع بین‌المللی مورد انتقاد و مخالفت شدید قرار گرفته است. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای در واکنش به سرکوب فعالان حقوق بشر در چین از بازداشت بسیاری از مدافعان حقوق بشر، وکلا و روشنفکران چینی اظهار نگرانی کرد.

«وانگ یو»، وکیل حقوق بشر، در آخرین پیام خود پس از بازداشت گفت که «برق خانه و اینترنت ناگهان قطع شد. سپس فهمیدم که کسانی در خانه از باز می‌کردند». آنها پلیس بودند که نیمه‌شب نهم جولای به منزل وانگ حمله‌ور شدند.

در سال‌های اخیر وکلای زیادی که درخصوص مبارزه علیه آزار و شکنجه تمرین‌کنندگان روش معنوی فالون‌گونگ در چین فعالیت می‌کردند، دستگیر، زندانی و محکوم شده‌اند. «گانو چی‌شینگ»، یکی از وکلای حقوق بشر برجسته چینی است که در سال ۲۰۰۹ با اتهام دفاع از حقوق تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ دستگیر شد. او نزدیک به پنج‌سال در زندان، شکنجه‌گاه‌های کوهستانی و ساختمان‌هایی ناشناس نگهداری می‌شد و تحت آزار و شکنجه بود. او چندی پیش تحت تدابیر شدید امنیتی آزاد شد.



«علی بیگدلی»، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

ریاست جمهوری «ترامپ» به ضرر عربستان واسرائیل است

عربی دارد و حتی بخش مهمی از هزینه‌های تبلیغاتی‌اش را کشورهای عرب منطقه تأمین می‌کند. به همین دلیل قاطعانه باید گفت دولت کِلِنتون رابطه ایده‌آلی با اعراب و به‌طور مشخص عربستان خواهد داشت. هیلاری همچنین با لابی یهودی رابطه تنگاتنگی دارد و به‌طور حتم اسرئیل در دولت احتمالی ایشان رابطه بهتری با آمریکا نسبت به سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ خواهد داشت. همچنین او با لابی یهودی داخل کشورش هم تعامل بالایی را تجربه می‌کند، به‌هرحال نباید فراموش شود که آنها در دوره اول آقای اوباما ۷۶ درصد از رأی‌های او را به صندوق انداخته بودند.

۴ با وجود این، رابطه اوباما با لابی یهودی سرد است و کِلِنتون هم به‌عنوان هم‌حزبی او در انتخابات حضور پیدا کرده است.

هیلاری کِلِنتون با وجود اینکه هم‌حزبی اوبامااست، نگاهش متفاوت است و رویکردی عربی- اسرائیلی دارد؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که رابطه ایالات متحده با خاورمیانه در دولت احتمالی این خانم مانند هشت سال اخیر باشد.

۴ دونالد ترامپ چطور؟ ظاهر این چهره جنجالی رغبت چندانی به پرداختن به این منطقه ندارد.

دونالد ترامپ ترجیحش این است که به‌جای اظهار نظر درباره عربستان یا اسرائیل، توجه خود را به مسائل درونی کشورش معطوف کند؛ نه‌تنها آقای ترامپ، بلکه سیاست‌کنش حزب جمهوری‌خواه این است که به مسائل درونی آمریکا معطوف شوند تا از این طریق رأی‌های نوجوانان و همچنین ۷۰ سال به بالا‌هایی که معتقدند اوباما وجهه آمریکا را خدشه‌دار کرد به دست بیاورند. پس باید این‌طور نتیجه‌گیری کرد که ترجیح عربستان برنده‌شدن هیلاری کِلِنتون در انتخابات ۲۰۱۶ است و به همین دلیل ملک سلمان به دولت کشورش دستور داده از کِلِنتون حمایت مالی و غیرمالی کند. این توضیحات، ما را به این نتیجه معلوم می‌رساند که رابطه آمریکای هیلاری با عربستان بهتر از رابطه آمریکای اوباما با این کشور خواهد بود.

۴ بحران سوریه بناویم پنج‌ساله دارد؛ اوباما چه سهمی در این فضای فرسایشی داشت؟

قطعا اوباما راضی نبود که در جنگ تمام‌عیار سوریه سهم و نقشی داشته باشد، به‌هرحال او که اتفاقا برنده جایزه صلح نوبل هم شده است، همیشه می‌کوشید خود و دولت و البته کشورش را جنگ‌گیر نشان دهد. البته رئیس‌جمهوری فعلی ایالات متحده بر این باور است که سوریه درگیر جنگی نیابتی است و به همین دلیل تلاش می‌کرد مشکل با مشارکت همه کشورهای درگیر حل شود؛ البته با این توضیح که کلید حل سوریه در دست روسیه و به‌طور مشخص «ولادیمیر پوتین» است. این توضیح لازم است که سوریه برای آمریکا اهمیت چندانی ندارد و تصور نمی‌شود هیلاری کِلِنتون و دونالد ترامپ در صورت کاخ سفیدنشینی خودشان را درگیر بحران سوریه کنند.

زنگ خطر جدی برای آمریکا

و مشکلات عدیده در نقض حقوق طبقات زیرین اجتماعی و تبعیض نژادی نخواهد بود. با ریزایی از حوادث انجام‌گرفته در سال‌های اخیر به‌درستی می‌توان بر این تبعیض‌ها اذعان کرد که هم در حیطه قوانین نه‌بندیده شده است، هم در ساختار فرهنگی این کشور وجود دارد. موضوع امنیت اجتماعی نیز خارج از این معادله نبوده و از یک طرف هرگز حقوق یک فرد در طبقات زیرین با حقوق یک فرد از طبقات بالای جامعه مساوی نبوده است و از طرف دیگر تا به امروز حتی با وجود پذیرش یک رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست، هنوز تبعیض نژادی در این کشور به حیات خود ادامه می‌دهد.

حوادث چند روز اخیر ازجمله کشته‌شدن دو سیاه‌پوست به وسیله پلیس سفیدپوست و متعاقب آن حادثه انتقام‌جویانه دالاس در کنار سهولت دسترسی آزاد به سلاح‌های اتوماتیک و کشتار جمعی یک مشکل اساسی در جامعه آمریکایی است که ریشه در قانون اساسی، قوانین جزائی و فرهنگ نژادی این کشور دارد. در شرایطی که جهان معاصر و به‌تبع‌آن جامعه آمریکا هم‌اکنون در مسیر دوران «اتارشی» قرار دارند، تجمع‌بع این دلایل و کاستی‌ها روزی بی‌ثباتی را فراهم می‌کند که چنانچه به‌درستی و فوریت به آن پرداخته نشود، می‌تواند بزرگ‌ترین جامعه هژمونیک جهان کنونی را تحت تأثیر مخرب خود قرار دهد. سخنان باراک اوباما در واکنش به این حوادث به‌خوبی نشان‌دهنده عمق این مشکلات در جامعه امروز آمریکاست. این بار عامل اصلی حادثه نه یک تروریست اسلام‌گرا یا یک بیمار روانی که مشخص یک سیاه‌پوست خشمگین بوده است که سوابق او نشان می‌دهد که به مدت شش سال از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ در ارتش آمریکا و مدتی هم در افغانستان خدمت کرده است؛ یعنی از زمره کسانی بوده است که در سال‌های اخیر همواره از طرف رهبران سیاسی این کشور به‌عنوان

«چگونگی رابطه با خاورمیانه» از بحث‌های اصلی فضای انتخاباتی آمریکاست؛ اینکه این کشور مهم که تأثیرگذاری انکارناشدنی‌اش در مناسبات نظام بین‌الملل برای همه مبهرن است، در دولت‌های احتمالی «هیلاری کِلِنتون» یا «دونالد ترامپ» چه نوع تعاملی با کشورهایمانند عربستان و اسرائیل خواهد داشت و اینکه موضع ایالات متحده از ۲۰۱۶ به بعد نسبت به مسئله سوریه چه خواهد بود. «ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ نگاه و رابطه خاص با عربستان سعودی داشت. اما مناسبات نظام بین‌الملل در این چند سال به‌گونه‌ای پیش رفت که خاورمیانه با وجود همه اهمیتش، از اولویت‌های آمریکا خارج شده است و دقیقاً به همین دلیل «باراک اوباما» به‌طور صریح این‌طور اظهارنظر کرد که از این به بعد به همکاری با چین تمایل دارد و منافع کشورش را در شرق آسیا خواند. «علی بیگدلی» کارشناس روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق» تأکید دارد استراتژی آمریکا چه با دولت احتمالی ترامپ و چه با رئیس‌جمهورشدن کِلِنتون، در قبال خاورمیانه تغییرات گسترده‌ای نخواهد داشت:

۴ بحث ما درباره رابطه ایالات متحده آمریکا و خاورمیانه پس از اوبامااست. برای شروع گفت‌وگو لازم می‌دانم این موضوع را طرح کنم که در زمان دولت باراک اوباما، رابطه آمریکا با خاورمیانه دستخوش تغییرات زیادی شد. به‌طوری‌که رئیس‌جمهوری این کشور رسماً اعلام کرد که خاورمیانه دیگر جذابیت قبل را برای آمریکا ندارد و به همین دلیل سعی کرد و اتفاقاً توانست که رویکرد کشور در قبال این منطقه مهم را تغییر دهد. به‌طوری‌که می‌توان گفت آقای اوباما و کشور آمریکا از خاورمیانه فاصله گرفتند. دقیقاً به همین دلیل در مسئله برجام کاری به این نداشتند که عربستان سعودی یا دولت اسرائیل چه موضعی دارند و به همین دلیل توافق بعد از سال‌ها عملی شد. البته نتیجه چنین رویکردی این شد که دولت سعودی از آمریکا دور و به لابی یهودی نزدیک شد و شاهد این هشتیم که در عربستان مؤسسات بازرگانی یهودی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌ی جدی دارند و حتی فضای بین حماس و اسرائیل هم در حال ترمیم است.

۴ ایالات متحده در نوامبر سال جاری میلادی انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار خواهد کرد. «رابطه با عربستان» در دولت‌های احتمالی هیلاری کِلِنتون و دونالد ترامپ چه شکلی را به خود خواهد دید؟

ایالات متحده آمریکا در گذر تاریخ، نگاه و رابطه‌ای خاص با عربستان سعودی داشته است؛ اما مناسبات نظام بین‌الملل در این چند سال به‌گونه‌ای پیش رفت که خاورمیانه با وجود همه اهمیتش، از اولویت‌های آمریکا خارج است و دقیقاً به همین دلیل اوباما به‌طور صریح گفت از این به بعد به همکاری با چین تمایل دارد و دو منافع کشورش در شرق آسیا اشاره کرد. باین‌حال واقعیت این است که خانم کِلِنتون نزدیکی خاصی با کشورهای

اردشیر زارعی‌قنوتی: حادثه تیراندازی و قتل پنج پلیس و زخمی‌شدن هفت پلیس دیگر در شامگاه پنجشنبه، هفتم جولای، در شهر «دالاس»، مرکز ایالت تگزاس آمریکا، بار دیگر این کشور را در شوک فرو برد. این اقدام که از سوی «میکا خاویر جاسون» و با همکاری احتمالی سه مظنون دیگر انجام گرفت، از همان ابتدای ماجرا با توجه به گزارش پلیس در زمره اقدامات انتقام‌جویانه طبقه‌بندی می‌شد که متأثر از تحولات درونی در جامعه آمریکایی امکان بروز و ظهور یافت.

هرچند سابقه نارضایتی سیاه‌پوستان از عملکرد نژادپرستانه پلیس به دلیل قتل‌های غیرموجه و عامدانه پلیس علیه اقلیت سیاه‌پوست همواره یک چالش سیاسی- اجتماعی در این کشور محسوب شده است؛ اما این بار به نظر می‌رسد که تحت تأثیر هم‌زمان دو اقدام پلیس برای کشتن بدون دلیل دو سیاه‌پوست در ایالت‌های لوئیزیانا و مینه‌سوتا در کمتر از ۴۸ ساعت که ویدئوهای آن موجب خشم این اقلیت نژادی و بسیاری از مردم آمریکا شد، انگیزه اصلی ضاربان در حادثه پنجشنبه‌شب بوده است.

تظاهرات اعتراضی متعاقب این دو قتل که جامعه آمریکا را تکان داده بود، در شامگاه پنجشنبه از ساعت ۲۱ در دالاس و بسیاری از دیگر شهرهای آمریکا ازجمله نیویورک، لس‌آنجلس، شیکاگو و واشنگتن تحت نام «جان سیاهان اهمیت دارد» انجام شد.

این انباشت خشم و بروز نارضایتی در بین بخشی از جامعه آمریکایی که عدالت را در حیطه قوانین و سیستم قضائی کشور احساس و لمس نمی‌کنند، بدون‌تردید زمینه‌ساز نفرتی شده است که یک روز باید سر باز می‌کرد. اینکه جامعه آمریکایی در دهه‌های اخیر به لحاظ تعامل اجتماعی و رعایت حقوق شهروندان در مسیر مساوات اجتماعی حرکت کرده است، هرگز نافی کاستی‌ها